

Achaemenids in Egypt

Houshang Rostami¹ 

Abstract

Cambyses II, following in the footsteps of Cyrus the Great, continued the Achaemenid policy of consolidating and expanding the empire's territorial holdings. One of the strategic territorialization endeavors involved a campaign to Egypt, the preparations for which had been initiated during Cyrus's reign and executed by Cambyses. This military campaign resulted in the annexation of Egypt to the vast Achaemenid Empire. To gain a more profound insight into the reciprocal cultural influences between the Achaemenids and Egypt, it is imperative to meticulously examine the extant archaeological evidence from this period, unearthed and studied by diverse archaeologists and scholars. This article aims to provide a critical assessment of the book *Achaemenids in Egypt* with a focus on archaeological evidence.

Keywords: Archaeology, Egypt, Achaemenids.



¹ Ph.D of Archaeology, Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran.  rostami.houshang@yahoo.com

Article info: Received: 5 February 2023 | Accepted: 2 March 2023 | Published: 1 April 2023

Citation: Rostami, Houshang. (2023). "Achaemenids in Egypt". *Ancient Iranian Studies*, Vol. 2 (5): 101-107.

<https://doi.org/10.22034/AIS.2023.414985.1051>

Introduction

Despite the plethora of books and articles addressing the Achaemenid Empire in recent years, this historical period still holds untapped research potential. Following the reign of Cyrus the Great, Cambyses II ascended to the throne of the Achaemenid Empire and continued to uphold the foundational principles of Cyrus's rule, centered on the consolidation and expansion of the empire's territorial boundaries. This article aims to critically assess the book titled *Achaemenids in Egypt (based on archaeological evidence)*, authored by Shahin Mahyar and published by Jam-e Gol Publications in 2012, encompassing 126 pages.

The book's initial chapter delves into the formation of the Achaemenid government, its political history, and ancient Egypt, including its geographical extent, deities, and Achaemenid interactions with Egypt. The second chapter introduces the archaeological findings in Egypt, the third chapter offers a summary of the book's content, the fourth chapter comprises illustrations, and the work terminates with a bibliography.


The section pertaining to the Achaemenid Empire, divided into subheadings like formation, political history, significant events, and geographical expanse, is notably lacking in completeness. Given the book's focus on the Achaemenid presence in Egypt, a comprehensive discussion of the Achaemenid monarchs involved in Egyptian affairs should have

been explicitly addressed. However, this aspect has been overlooked, with only a few paragraphs dedicated to it. To enhance the book's references and scholarly merit, the author could have drawn from prominent publications such as *History of the Persian Empire* by Olmstead (2001), and *The Achaemenid Empire* by Kurt (2000), and adopted an impartial and scholarly approach to Herodotus's historical account in *Histories* (1960). Additionally, valuable sources in this field include Posener (1936), Roaf (1974), Mysliwiec (1997), and Jacobs (1994), among others, which could have enriched the book's scholarly foundation.

Conclusion

This book offers an overview of the archaeology and history of the Achaemenid Empire in Egypt. A notable limitation of the reviewed book is its relatively limited utilization of scholarly sources authored by renowned experts in the field of Achaemenid studies. The author could have significantly strengthened their work by conducting a more in-depth examination of the Achaemenid presence in Egypt, drawing upon a broader array of well-established and contemporaneous sources. Additionally, a more rigorous and scientific approach to analyzing the archaeological evidence related to the Achaemenids in Egypt could have enhanced the book's overall scholarly rigor and credibility.

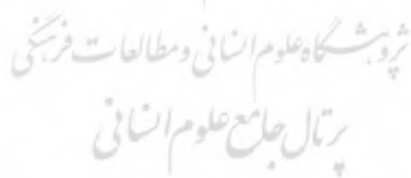
هخامنشیان در مصر

هوشنگ رستمی^۱ 

چکیده

کمبوجیه سیاست کورش را مبنی بر استحکام پایه‌ها و توسعه سرزمینی هخامنشیان ادامه داد. از جمله برنامه‌های توسعه سرزمینی، لشکرکشی به مصر بود که مقدمات آن در زمان کورش فراهم شده بود که کمبوجیه آن را عملیاتی کرد و مصر به سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشی ضمیمه شد. برای درک بهتر از تأثیرات فرهنگی هخامنشیان و مصر باید شواهد باستان‌شناسی باقیمانده از آن دوران که توسط باستان‌شناسان پژوهشگران مختلف کشف و بررسی شده‌اند به دقت بررسی و مطالعه کرد که از جمله شواهد باستان‌شناختی باقیمانده می‌توان به کتیبه‌های هخامنشی در حمامات و کانال سوئز، کتیبه و آثار معماری جزیره الفانتین و نقش برجسته‌های هخامنشی در معبد هیبیس و سایر شواهد فرهنگی و باستان‌شناختی که در مصر یافت شده، اشاره کرد. این مقاله بر آن است تا کتاب هخامنشیان در مصر (براساس شواهد باستان‌شناسی) را نقد و بررسی کند.

واژه‌های کلیدی: باستان‌شناسی، مصر، هخامنشیان.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دکتری باستان‌شناسی دوران تاریخی، گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن، تهران، ایران rostami.houshang@yahoo.com

مشخصات مقاله: تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۳ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۶ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱/۱۲

استناد: رستمی، هوشنگ (۱۴۰۲). "هخامنشیان در مصر"، پژوهشنامه ایران باستان، سال ۲، شماره ۵: ۱۰۱-۱۰۷.

مقدمه

می‌توان به کتیبه‌های هخامنشی در حمامات و کانال سوئز، کتیبه و آثار معماری جزیره الفانتین و نقش‌برجسته‌های هخامنشی در معبد هیبیس و سایر شواهد فرهنگی اشاره کرد. نگارنده در این مقاله کتاب هخامنشیان در مصر (براساس شواهد باستان‌شناسی) نقد و بررسی می‌کند و نقاط ضعف و قوت این کتاب را به لحاظ علمی ارزیابی خواهند کرد.

درباره نویسنده و کتاب

کتاب مورد بحث در این مقاله هخامنشیان در مصر (براساس شواهد باستان‌شناسی) نام دارد که به قلم شاهین ماهیار، دانشجو یا دانش‌آموخته دکتری باستان‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی تهران نگاشته شده است. این کتاب توسط انتشارات جام گل در سال ۱۳۹۱ در ۱۲۶ صفحه و در قطع رقعی (شومیز)، منتشر شده است. از این نویسنده کتاب‌هایی با عنوان آثار ثبت شده ایران در فهرست میراث جهانی (۱۳۹۵)، نقوش برجسته بین‌النهرین در هزاره سوم پیش از میلاد (۱۳۹۳)، حیوانات قربانی در ایلان باستان: (نقوش برجسته، مهرها و آثار مهر در چغازنبیل، هفت‌تپه و شوش (۱۳۹۳)، و امنیت شبکه (CEH) (۱۳۹۰)، نگاشته شده یا گردآوری کرده است که تمامی این کتاب‌ها توسط انتشارات جام گل انتشار یافته است.

بررسی شکلی اثر

جلد اثر آبی‌رنگ است که روی آن تصویر نامطلوب و بی‌کیفیت شواهد فرهنگی هخامنشی در مصر بدون شرح درباره تصویر و ذکر منبعی که تصویر از آن استخراج شده آمده است. پشت جلد تصاویر کتاب‌های منتشر شده توسط انتشارات جام گل تبلیغ شده است که در یک اثر به اصطلاح علمی و پژوهشی شایسته نیست تبلیغات

کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری درباره شاهنشاهی هخامنشی در طی سالیان گذشته منتشر شده است (Mehrfarin, 2021, Rezaei Naraghi, 2022; Nazari & Sharbaf, 2023; Arabzadeh Sarbanani, 2023; Khosravi, 2022; Salah-shoor, 2022). باین حال درباره این دوره از تاریخ ایران هنوز نیز پژوهش‌های تازه‌ای منتشر می‌شود. می‌دانیم کمبوجیه بعد از درگذشت کوروش بر تخت امپراتوری هخامنشی نشست. کمبوجیه سیاست خود را براساس همان چهارچوب قبلی زمان حکمرانی کوروش که مبنی استحکام و ادامه توسعه سرزمینی بود را ادامه داد. به دلیل طغیان تعدادی از ایالت‌ها بعد از درگذشت کوروش کمبوجیه به مدت سه سال درگیر آرام کردن آن بود و پس از آن در سال ۵۲۶ پیش از میلاد به مصر عزیمت کرد. آمازیس پادشاه مصر تصور می‌کرد که کمبوجیه از سمت دریا به مصر حمله خواهد اما هخامنشیان لشکرکشی خود را از سمت کانال سوئز برنامه‌ریزی کردند. در این بین هم پادشاه مصر، آمازیس درگذشت و جای او را پسامتیک گرفت. نخستین جنگ میان هخامنشیان و مصریان در پلوز رخ داد. لشکر مصر در این نبرد شکست خورد و هخامنشیان ممفیس را در سال ۵۲۵ پیش از میلاد به تسخیر خود درآوردند. کمبوجیه تا سال ۵۲۲ پیش از میلاد در مصر شخصاً حکومت کرد و بعد از انتخاب حاکم، مصر را ترک کرد و تا زمان داریوش سوم زیر لوای پادشاهان هخامنشیان بود (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۳). مدارکی که درباره فتح مصر به دست کمبوجیه وجود دارد به دودسته عمده تقسیم می‌شود؛ نخست مدارک و اسنادی مربوط به آن روزگار است که از مصر به دست آمده، و دوم گزارش‌هایی است که بعدها هرودت در این مورد ارائه می‌کند. از آثار و شواهد باستان‌شناختی باقیمانده از دوران حاکمیت هخامنشیان بر مصر

که فصل نخست درباره شکل‌گیری حکومت هخامنشیان و تاریخ سیاسی، مصر باستان و گستره جغرافیایی، خدایان و روابط هخامنشیان با مصر است. فصل دوم به معرفی آثار یافت شده در مصر اختصاص یافته است. فصل سوم که با عنوان جمع‌بندی آمده است صرفاً یک متن شعارگونه و به‌ظاهر حماسی است که هیچ ارتباطی به موضوع ندارد و ماحصل کتاب بدون هیچ اشاره‌ای به تأثر و تأثرات هخامنشیان و مصریان و همچنین پیشنهادها علمی در جهت تحقیقات علمی باستان‌شناسی به پایان می‌رسد. فصل چهارم به تصاویر اختصاص داده شده که نیازی به ایجاد فصل به‌عنوان تصاویر قابل توجه نیست. در نهایت فصل پنجم کتاب به‌عنوان منابع نام‌گذاری شده است که این فصل نیز به هیچ‌وجه قابل قبول نیست که فهرست منابع با عنوان فصل آورده شود.

با توجه اهمیت موضوع کتاب درباره حضور هخامنشیان در مصر و بررسی آثار و شواهد حضور آنها، نیاز به انتشارات در این خصوص، جهت آشنایی جامعه باستان‌شناسی ایران و دانشجویان باستان‌شناسی با شواهد باستان‌شناسی هخامنشیان در مصر حس می‌شود. اما این اثر فاقد هرگونه فاکتور علمی و آموزشی به‌عنوان یک منبع قابل استناد است. بسیاری از اسامی و مکانهای مصر با همان شکل لاتین آورده شده که می‌توانست با مراجعه به کتاب‌های متخصصان و پژوهشگران و منابع معتبر که در این زمینه صاحب‌نظر هستند معادل فارسی آنها قید شود.

در بخش امپراتوری هخامنشی که به زیرعنوانهایی همچون شکل‌گیری، تاریخ سیاسی و وقایع مهم و گستره جغرافیایی تقسیم شده بسیار ناقص است، با عنایت به موضوع مورد بحث در این کتاب که درباره حضور هخامنشیان در مصر است حداقل بایستی درباره شاهان هخامنشی که درگیر موضوع مصر بودند به‌صورت واضح

انتشارات در پشت جلد آورد شود. در دیباچه مؤلف بر آن بوده که به اهمیت کمبود چنین منبعی در پژوهش‌های باستان‌شناسی هخامنشی را تبیین کند. پیشگفتار کتاب به‌جای رعایت یک ساختار علمی، با ادبیاتی شبه حماسی که هیچ ارتباطی با ساختار کتاب ندارد نگاشته شده است. در مقدمه کتاب نیز همان ادبیات غلط و به دور از ساختار علمی مجدد تکرار شده است. در سراسر کتاب ایرادهای نگارشی به‌وضوح هویدا است و عدم رعایت نوع قلم استفاده شده در متن و تعدادی از جدول‌ها (جدول ۲-۳-۴). نویسنده در این کتاب در آوردن پانویس‌های یکسان عمل نکرده و باعث ناهمگونی شکلی در کتاب شده است. اصطلاحات و واژه‌های لاتین عیناً در متن آورده شده، بدون اینکه به سایر منابع برای بهره‌گیری از معادل فارسی آن رجوع کند. قلم استفاده شده در لاتین در متن کتاب یکسان نیست و حتی نسبت به قلم فارسی استفاده شده بسیار بزرگ‌تر و نامتوازن است. فاصله متناسب و استاندارد بین سطرها و بندهای کتاب رعایت نشده است. ویراستاری آن بسیار متوسط است. طرح جلد، صفحه‌آرایی و حروف‌نگاری پایین‌تر از حد متوسط است و نیز کیفیت چاپ، صحافی و قطع کتاب متوسط است.

نقد محتوایی کتاب

در این کتاب عدم سازمان‌دهی و رعایت یک چهارچوب علمی به‌وضوح مشخص است. پرواضح است که نویسنده صرفاً در پی انتشار یک کتاب بوده و سطح این کتاب همان‌گونه که خود ایشان اشاره در دیباچه اشاره کرده؛ براساس یک تحقیق کلاسی در زمینه آثار هخامنشیان در مصر بوده و متأسفانه در ماحصل نیز در سطح همان تحقیق کلاسی است و صرفاً یک گردآوری ساده بدون بار علمی است.

این کتاب در پنج فصل تنظیم شده است

در صفحه ۴۷ کتیبه‌های یافت شده در حمامات از داریوش بزرگ که حدود هفت متن ترجمه است همگی به یک منبع یعنی ولایتی ارجاع داده شده است و این در حالی است نویسنده کتاب می‌توانست که دیگر مقالات رحیم ولایتی منتشر شده در مجله‌های پژوهشی درباره شواهد باستان‌شناسی هخامنشیان در مصر انتشار یافته که به هیچ‌یک از این منابع اشاره نشده است (ولایتی، ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۹). از جمله سایر منابع مفید در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های (Posener, 1936; Roaf, 1974; Mysliwiec, 1997; Jacobs, 1994) اشاره کرد.

در صفحه ۵۳ و ۵۴ به یک وب‌سایت به نام مرادی غیاث‌آبادی ارجاع داده شده است که به هیچ‌وجه ارجاع دیگری ندارد. نقشه ۹، موقعیت معبد هیبیس در صفحه ۶۲ و پلان شماره یک: پلان تقریبی معبد هیبیس به یک وبلاگ شخصی ارجاع داده شده است. مجدداً از صفحات ۶۷، ۶۹ و ۷۰ به وبلاگ و وب‌سایت‌ها ارجاع داده شده است که این تعداد ارجاع به وب‌سایت و وبلاگ در یک کتاب که به‌ظاهر علمی است در نوع خود جالب توجه است.

برآیند

اثر مورد بحث به هیچ‌وجه قابلیت یک اثر علمی و پژوهشی را ندارد و تنها می‌توان از آن به‌عنوان یک گردآوری محض که از منابع بسیار ضعیفی بهره برده یاد کرد. به‌عنوان نمونه استفاده از ۱۲ وبلاگ و وب‌سایت و دانشنامه اینترنتی که به هیچ‌وجه از نظر علمی اعتباری ندارند در شأن یک کتاب یا اثر پژوهشی نیست. متأسفانه بسیاری از قسمت‌های این گردآوری، بدون ارجاع است و ارجاعات استفاده‌شده یا اینترنتی هستند یا منابع دسته‌چندم که به‌خودی‌خود این اثر را زیر سؤال می‌برد. در بخش جمع‌بندی و نتیجه‌گیری هیچ ارتباطی با

و صریح بحث می‌شد. اما این موضوع مورد غفلت واقع شده و با چند بند سرهم‌بندی شده است. باوجود منابع متعدد و معتبر نویسنده در زیر عنوان تاریخ سیاسی و وقایع مهم تنها به پیرنیا ارجاع داده است و در ادامه در زیرعنوان بعدی که گستره جغرافیایی است هیچ ارجاعی مشاهده نمی‌شود. نویسنده می‌توانست به منابعی همچون تاریخ شاهنشاهی هخامنشی (اومستد، ۱۳۸۰)، هخامنشیان (کورت، ۱۳۷۹) ارجاع بدهد و با یک دید علمی و بی‌طرفانه از تاریخ هرودت (هرودت، ۱۳۳۹) بهره بیشتری در جهت پربارتر کردن هرچه بیشتر منابع کتاب ببرد.

در بخش فراعنه و مصر باستان و گستره جغرافیایی، باوجود عنوان کلی و مهمی که آورده شده، تنها در دو سه بند به آن پرداخته شده است و ارجاع آن تنها به کتاب صادق ملک‌شهمیرزادی (مجموعه دروس باستان‌شناسی، مبانی باستان‌شناسی ایران بین‌النهرین مصر) است. همان‌گونه که ملک شهمیرزادی در مقدمه مؤلف آن کتاب بیان داشته؛ این کتاب یک جزوه کلاسی بوده که توسط دو تن از دانشجویان ایشان جمع‌آوری شده است. بنابراین شایسته بود که نویسنده از منابع دست‌اول پیرامون تاریخ مصر بهره برده و حوزه قلمرو یا گستره جغرافیایی را تا حد امکان قویتر می‌کرد.

این کتاب ارجاع‌های مناسبی نیز ندارد. صفحه ۳۷ و بخش بقایای سلاحها و اشیاء لشکر گمشده کمبوجیه در واحه بحرین در مرز لیبی: هیچ ارجاع علمی ندارد و با کمال تأسف به گزارش خبری یک شبکه تلویزیونی ارجاع داده است و تا پایان صفحه ۴۳ بدون ارجاع است. در صفحه ۴۶ در ترجمه یکی از کتیبه‌های یافت شده مربوط به هخامنشیان، به پایان‌نامه کارشناسی ارشد رحیم ولایتی ارجاع داده شده، درحالی‌که میبایست به منبع دست‌اول ارجاع داده می‌شد. در ادامه

به حضور هخامنشیان در مصر بپردازد و آثار و شواهدی باستان‌شناسی هخامنشیان در مصر را با دیدی علمی بررسی و مطالعه کند.

عنوان و محتوای اثر مشاهده نمی‌شود و همانند مقدمه، یک بخش شعارگونه و احساسی بدون هیچ پشتوانه علمی است. نویسنده می‌توانست با استفاده از منابع معتبر و دست‌اول لاتین و فارسی،

کتاب‌نامه | Bibliography

- اومستد، آلبرت تن آیک. (۱۳۸۰). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه محمد مقدم، تهران: امیر کبیر.
- Olmstead, Albert Ten Eyck. (1948). *History of the Persian Empire*, Translated into Persian by Mohammed Moqadam, Tehran, Amirkabir (in Persian).
- سرفراز، علی‌اکبر، فیروزمندی، بهمن. (۱۳۸۳). باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی، تهران: انتشارات عفاف.
- Sarfaraz, Aliakbar; Firouzmandi, Bahman. (2004). *Archaeology and art of the historical periods*, Tehran, Efaf (in Persian).
- کورت، آملی. (۱۳۷۹). هخامنشیان، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: نشر ققنوس.
- Kuhrt, Amelie. (1997). The Achaemenid Empire, in *The Ancient Near East*, c. 3000-330, Translated into Persian by Morteza Saqebfar, Tehran, Qooqnoos (in Persian).
- ولایتی، رحیم، (۱۳۸۷). «مطالعه بخشی از یافته‌های Nazari, S., & Sharbaf, M. (2023). "Some Remarks on the Identity of the Ram-Headed Bronze Statuette from Persepolis", *Persica Antiqua*, 3(4), 3-17. <https://doi.org/10.22034/pa.2022.350535.1017>
- Posener, G. (1936). *Premiere Domination Perse En Egypte*, Recueil D. inscription- Hieroglyphiques, Le Gaire Imprimeie De L : Intitut Francais.
- Rezaei Naraghi, N. (2022). "Study of "Eye-Stone" in Achaemenid Period", *Ancient Iranian studies*, 1(1), 67-79. <https://doi.org/10.22034/ais.2022.146350>
- Roaf, Michael. (1974). *Mesopotamien*, Welatlas der alten Kulturen, Muenchen.
- Salahshoor, A. A. (2022). The Concept of "Gods, Other Gods, and All the Gods" in the Royal Ideology of the Achaemenid Kings. *Ancient Iranian studies*, 1(2), 55-79. <https://doi.org/10.22034/ais.2022.345838.1016>
- باستان‌شناسی مرتبط با هنر هخامنشیان در مصر»، باغ نظر، شماره دهم، سال پنجم، ۸۹-۱۰۴
- Velayati, R. (2008). "Study of archaeological Findings Related to the Art, Achaemenid Period in Egyptian", *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 5(10), 89-104 (in Persian).
- ولایتی، رحیم. (۱۳۸۹). «تأثیر هنر ملل تابعه امپراتوری هخامنشیان بر هنر و معماری آن‌ها»، باغ نظر، شماره ۱۴، سال هفتم: ۸۷-۹۴
- Velayati, R. (2010). "Influence Affiliated Nations Art on the Achaemenid Art and Architecture", *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 7(14), 87-94 (in Persian).
- هرودت (۱۳۳۹). تاریخ هرودت، ترجمه هادی هدایتی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- Herodotus, (2010). *Histories*, Translated into Persian by Hadi Hedayati, Tehran, Tehran University (in Persian).
- English
- Arabzadeh Sarbanani, M. (2023). Revisiting the Book of Esther: Assessing the Historical Significance of the Masoretic Version for the Achaemenian History. *Persica Antiqua*, 3(4), 19-32. <https://doi.org/10.22034/pa.2022.344449.1009>
- Jacobs, Bruno. (1994). *Die Satrapien Verwaltung im persisch Zur Zeit Darius III*, Wiesbaden.
- Khosravi, I. (2022). "An Investigation of Achaemenid Political Religion", *Ancient Iranian studies*, 1(4), 77-91. <https://doi.org/10.22034/ais.2023.371171.1025>
- MehrAfarin, R. (2021). "Functional Analysis of the Structure No. 3 of Dahān-e Qolāmān in Sistan of Iran", *Persica Antiqua*, 1(1), 53-68. <https://doi.org/10.22034/pa.2021.134073>
- Mysliwiec, Karol. (1997). *Herr beider Länder. Ägypten im 1. Jahrhundert v. Chr.* Zabern.



© 2023 The Author(s). Published by Tissaphernes Archaeological Research Group, Tehran, Iran. Open Access. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial-NoDerivatives License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>), which permits non-commercial re-use, distribution,

and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited, and is not altered, transformed, or built upon in any way. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is based on the Committee on Publication Ethics (COPE) guidelines and complies with International Committee of Ancient Iranian Studies Editorial Board codes of conduct. Readers, authors, reviewers and editors should follow these ethical policies once working with Ancient Iranian Studies. The ethical policy of Ancient Iranian Studies is liable to determine which of the typical research papers or articles submitted to the journal should be published in the concerned issue. For information on this matter in publishing and ethical guidelines please visit www.publicationethics.org.